

ادریس بدلیسی، هشت بهشت و دیگر آثار او

مه‌ری پاکزاد*

چکیده

ادریس بدلیسی از نثرنویسان معاصر سلطان یعقوب آق قویونلو در ایران و سپس شاه اسماعیل صفوی بوده است. مهم‌ترین اثر ادریس بدلیسی درباره تاریخ عثمانی و شناخته‌ترین اثر در میان تمام آثارش، کتاب «هشت بهشت» است. هم خود اثر و هم عنوان آن به فارسی است. نثر کتاب هشت بهشت مصنوع و فنی، به پیروی از سبک جهان‌گشای جوینی و تاریخ و صاف از و صاف الحضرة است. باید دانست چه در ایران و چه در ترکیه نسخه خطی کتاب اخیر یعنی هشت بهشت هنوز تصحیح نشده است. محتوای کتاب هشت بهشت شامل شرح زندگانی هشت سلطان از سلاطین عثمانی است که از عثمان بیگ غازی آغاز و به سلطان بایزیدی دوم و جلوس یاووز سلطان سلیم ختم می‌شود.

در این مقاله سعی شده است با توجه به تعدادی منابع در این مورد و در دست داشتن چند نسخه از نسخ خطی این کتاب، باختصار ضمن معرفی کتاب، مؤلف و سبک نگارش آن و وضع نثر عصر نویسنده باجمال مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

کلید واژه

ادریس بدلیسی - ۴ نسخه خطی - هشت بهشت - سبک نگارش - اهمیت تاریخی - ادبی.

* دانش‌جوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علوم تحقیقات و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد مهاباد.

مقدمه

گرچه از قدمت تاریخ زندگی ادریس بدلیسی و اثر وی - به نسبت برخی از مؤلفان و دانش‌مندان قرون قبل از ادریس - نهایتاً ۵۵۰ سال نمی‌گذرد، اما متأسفانه شخصیت بزرگ علمی، ادبی و سیاسی - اجتماعی او به عنوان یک دانش‌مند گُرد فارسی‌نویس، آن طور که شایسته است، شناسانده نشده و در هاله‌ای از گم‌نامی در لابه‌لای صفحات غبارآلود تاریخ مانده است. با این وصف با تکیه بر اطلاعاتی که می‌توان از لابه‌لای آثار او در مورد زندگی وی و اوضاع اجتماعی زمان وی بدست آورد و نیز با توجه به آنچه که دایرة‌المعارف‌ها و فرهنگ‌ها و فهرست‌های نسخ خطی در باب این شخصیت ثبت کرده‌اند، این دانش‌مند ادیب را می‌توان در این مجال معرفی کرد.

برخی از مهم‌ترین منابعی که دربارهٔ ادریس بدلیسی و آثار او از جمله هشت‌بهشت سخن گفته، عبارت است از: حدائق الشقایق محمد مجدی - تاج‌التواریخ خواجه سعدالدین - تحفه‌الخطاطین مستقیم‌زاده - کشف‌الظنون حاج خلیفه کاتب چلبی - ایضاح‌المکنون اسماعیل پاشا بغدادی - شرف‌نامهٔ شرف‌الدین بدلیسی - هدایة‌العارفین اسماعیل پاشای بابان - فرهنگ اعلام سخن، حسن انوری - دانش‌نامهٔ جهان اسلام زیر نظر غلامعلی حداد عادل - دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم بجنوردی - کرد و کردستان، محمدمامین زکی بگ - کرد و کردستان، واسیلی نیکیتین - تاریخ کرد و کردستان، شیخ محمد مردوخ کردستانی و... .

در برخی از فرهنگ‌ها و دایرة‌المعارف‌ها این شخصیت و کتاب مشهور او را این گونه معرفی کرده‌اند. فرهنگ اعلام سخن بسیار کوتاه و مختصر او را در چند جمله، ذیل نام بدلیسی، ادریس این گونه معرفی کرده است: «بدلیسی، ادریس Bedlisi (?) - ۹۲۶ هـ. ق) مشهور به مولانا حکیم‌الدین ادریس، تاریخ‌نگار گُرد، در دربار آق قویونلو، سلطان بایزید دوم و سلطان سلیم اول خدمت کرد. اثر معروف او هشت بهشت به تاریخ دولت عثمانی و شرح سلطنت هشت پادشاه عثمانی از زمان عثمان تا بایزید دوم می‌پردازد. کتاب دیگرش سلیم‌نامه نام دارد.»^۱

استاد ملک‌الشعراى بهار نیز به گونه‌ای شبیه به مورد فوق از وجود این مؤلف و کتاب وی خبر می‌دهد. هشت بهشت: «در تاریخ آل عثمان لمولانا ادریس البتلیسی معاصر سلطان بایزیدبن محمد (۸۸۶ - ۹۱۸) بوده، تاریخ آل عثمان را از آغاز اقتدار آنان تا زمان بایزید نوشت و محمدالدفتری پسر ادریس آن کتاب را «هشت بهشت» نامید و

ابوالفضل محمدالدفتری پسر ادريس آن کتاب مذيّل ساخت و تا سنه ۹۵۲ هـ. ق يعنى تا عهد سلطان سليم خان ثانی (۹۲۶ - ۹۷۴) رسانيد، اين کتاب به شیوه مترسلان خوارزمی و جهانگشای جوينی نوشته شده است. قدری متکلفانه‌تر اما سست‌تر، نمونه ناقصی است از تاريخ ابن‌بی‌بی، نسخه خطی از آن کتاب را من بنده در کتاب‌خانه آستانه قدس رضوی مطالعه کرده‌ام.^۲

دکتر ذبیح‌الله صفا نیز بسیار ساده و گذرا به این شخصیت اشاره کرده است: «هشت بهشت در تايخ آل عثمان از مولانا ادريس البتلیسی معاصر بايزيد (۸۸۶ - ۹۱۸) و پسرش ابوالفضل الدفتری که آن را تا وقایع سال ۹۵۲ که شامل اتفاقات قسمتی از دوره سلطان سليم ثانی است نوشتند.»^۳

دکتر رستگار فسایی به عکس استاد بهار از این اثر به عنوان یک اثر بسیار مهم یاد می‌کند: «از آثار مهم نویسندگان اواخر قرن نهم و اوایل دهم، هشت بهشت از حکیم‌الدین ادريس (متوفی ۹۳۰)، از فارسی‌نویسان و منشیان معروف دربار سلطان یعقوب آق‌قویونلو (۸۸۴ - ۸۹۵) بود. این کتاب مربوط است به تاریخ هشت تن از آل عثمان از سال ۷۱۰ تا ۹۰۸ هـ. ق و مؤلف در انشای آن بسیار کوشیده است تا سبک عطاملک جوينی را پیروی کند. او کتاب‌های دیگری نیز دارد؛ چون شرح گلشن‌راز، الحق‌المبین در کلام، مرآة‌الجمال، سليم‌نامه.»^۴

لازم به ذکر است که تنها در دانش‌نامه جهان اسلام قدری مفصل‌تر به معرفی این شخصیت پرداخته شده است.

الف - نام و لقب و تخلص ادريس بدلیسی

نام اصلی وی ادريس به همراه نام پدرش و تمامی القاب و عناوین، چنین است: «مولانا حکیم‌الدین ادريس مولانا حسام‌الدین علی البدلیسی»^۵ «در برخی از منابع با لقب کمال‌الدین نیز از او یاد شده است.»^۶ با توجه به نام شهر بدلیس (بتلیس) او را با یای نسبت «بدلیسی» خوانده‌اند. در منابع ترکی او را «ادريس بدلیسی»، و در منابع عربی «ادريس البدلیسی» خوانده‌اند. ادريس بدلیسی در تمام اشعار ترکی، فارسی و عربی، نام خود را به عنوان تخلص خود بکار برده، یعنی «ادريس».^۷

ب - تبادر ادريس

از قدیم‌الایام، بویژه در جهان اسلام، چون عناصر نژادی چندان مهم بشمار نمی‌رفته، تقریباً تمام متفکران در حالی که مشرب و مذهب خود را آشکارا ذکر می‌کردند، نیازی نمی‌دیدند که آشکارا نژاد خود را بیان کنند.

از این رو ادریس با توجه به این رسم، همانند دیگر متفکران در مورد نژادش به آشکار و یا سرپوشیده چیزی در آثارش ننوشته است. با این وضع چون ادریس بدلیسی برخی آثارش را به عربی نوشته برخی از شرق شناسان، او را «عرب» و چون برخی از آثارش را به فارسی نوشته او را «ایرانی» و چون اهل آناتولی شرقی بوده او را کُرد دانسته‌اند. شرق شناسانی مشهور نظیر «فرانتز بابینگر» F. Bebinger و هامر Hammer که به ادریس زیاد پرداخته‌اند، نیز درباره نژاد ادریس بدلیسی مطلبی ذکر نکرده‌اند. شاید علت بیان نکردن نژاد ادریس این بوده باشد که کُرد بودنش اظهار من الشمس بوده است. اما آن چه مسلم است ظاهراً هم خاستگاه و هم نام خانوادگی او و محل زندگی او دلایلی بر کُرد بودن او است. دانش‌نامه جهان اسلام ذکر کرده که او «احتمالاً» کُرد بوده است. ولی «فرهنگ سخن» کُرد بودن وی را تأیید کرده است و ذیل نام بدلیسی، ادریس Bedlisi آورده: «مشهور به مولانا حکیم‌الدین ادریس، تاریخ نگار کُرد، در دربار آق‌قویونلو، سلطان بایزید دوم و سلطان سلیم اول خدمت کرد.»^۹ در منابع آمده که ادریس بدلیسی از یک خانواده اصیل بدلیسی بوده است.

در هیچ یک از منابع نام مادرش ذکر نشده است. ولی از نام پدرش در منابع یاد شده است. پدرش مولانا شیخ حسام‌الدین البدلیسی است که مردی فاضل و عالم و اهل تصوف و عرفان بوده است. «ادریس یک عمو داشته که او هم فرزند ذکوری داشته است. زیرا ادریس بدلیسی در سال ۱۵۱۱ م. به همراه پسر عمویش که امیر الحاج بوده عازم حج شده.»^{۱۰}

ج - تاریخ و محل تولد ادریس

در مورد تولد ادریس بدلیسی در منابع مذکور، هیچ گونه ذکر نرفته است. ولی با ارزیابی و بررسی برخی از سرنخ‌ها می‌توان احتمال داد که وی در ۱۴۵۲ م. و یا ۱۴۵۷ م. و یا در سالی مابین این دو تاریخ بدنیا آمده است. زیرا خود در مقدمه اثرش «حق المبین» می‌نویسد که در آغاز جوانی در سال ۸۷۶ هـ. ق. ۱۴۷۲ م. ملا جامی، همراه کاروان حج به تبریز آمد. وی اطلاع یافت که پدرش با آن‌ها ملاقات کرده است.^{۱۱} اگر فرض شود که در آن تاریخ، ادریس جوانی بوده بین ۱۵ تا ۲۰ سال، در این صورت می‌توان گفت که وی بین دو تاریخی که در فوق ذکر شد، بدنیا آمده است. بنظر می‌رسد مناسب‌ترین تاریخ برای تولد او ۸۵۶ هـ. ق. ۱۴۵۲ م. باید باشد. اما در مورد محل تولد او باید گفت که در منابع در این مورد سخنی روشن نرفته است. برخی از منابع تنها وی را اهل بدلیس معرفی کرده‌اند.^{۱۲} البته این مشخص نمی‌کند که او متولد بدلیس بوده باشد و می‌تواند به این معنی باشد که اصلتش از بدلیس بوده است. چون

پدرش هنگام طفولیت ادريس و نيز در زمان جوانی و نوجوانی وی، در دیاربکر در خدمت اوزون حسن آق‌قویونلو بوده و می‌توان گفت که احتمال دارد که وی در دیاربکر دنیا آمده باشد، تا زمانی که دلایل تاریخی قطعی در دست نباشد، نمی‌توان گفت زادگاهش دیاربکر بوده باشد. اما چون نسبت بدلیسی دارد و در همه منابع به بدلیسی شهرت داشته می‌توان گفت که به ظن قوی در بدلیس تولد یافته است.

د- منش و سیرت ادريس

بنابر آنچه که در منابع ذکر شده است، ادريس بدلیسی، خوش‌خو، خوش خلق، صاحب‌دل و سخن‌وری تأثیرگذار بود. فردی بود که قلمش را با مهارت و ظرافت بکار می‌گرفت. دانش‌مند، دین‌دار، مبرا از بدی‌ها، تعلیم‌دهنده‌ای خوب، خیر و نیک‌خواه بود با قلبی سرشار از مهر و محبت دولت و حکومت.^{۱۳}

بیش‌ترین اطلاعاتی که درباره زندگی وی در دست است، حیات کاری و شغلی اوست. مشاغل او خواه در دوره آق‌قویونلوها، خواه در دوره عثمانیان بیش‌تر در امور سیاسی بوده است.

ه- فوت وی

هنگامی که ادريس بدلیسی سال‌های آخر عمرش را در استانبول سرگرم کارهای عملی و نوشتن آثارش بود، در تاریخ ذی‌حجه ۹۲۶/ نوامبر ۱۵۲۰ اندک زمانی پس از فوت سلطان سلیم اول، در این شهر درگذشت. تقریباً تمامی مؤلفان فوت وی را در استانبول نوشته‌اند. با این همه، در مورد تاریخ فوتش نظراتی مختلف ذکر شده است. برخی منابع تاریخ ۹۲۱ هـ/ ۱۵۱۵ م.^{۱۴} برخی دیگر سال ۹۱۱ هـ/ ۱۵۰۵ م.^{۱۵} بعضی دیگر ۹۳۰ هـ/ ۱۵۲۳ م.^{۱۶}، را سال فوت نوشته‌اند. در حالی که بنظر می‌رسد در همه تاریخ‌ها اشتباه رخ داده است، زیرا پسر ادريس بدلیسی در مقدمه‌ای که برای «سلیم‌نامه»ی پدرش نوشته، آورده است که پدرش در ماه ذی‌حجه سال ۹۲۶/ ۱۵۲۰ م. فوت کرده است با توجه به تاریخ فوت (۹۲۶)، ادريس بدلیسی در سن ۶۵ و حداکثر ۷۰ سالگی که چندان هم مسن نبوده، فوت کرده است.

آرام‌گاه ادريس بدلیسی در استانبول، سمت محله ایوب امروزمین در «کوشک ادريس» که به نام خود وی یاد شده و یا در باغچه مسجدی که همسرش زینب خاتون ساخته و وقف کرده در محلی که چشمه خوانده می‌شود، قرار دارد.^{۱۷}

و - مختصری از شرح اوضاع ادریس در دستگاه اق قویونلوها و دربار عثمانی

«در دربار اق قویونلوها سمت «نشانچی»^{۱۸} یافت و در ۸۹۰ هـ. ق از جانب یعقوب بیگ به بایزید دوم (حک: ۸۸۶-۹۱۸ هـ ق) تهنیت‌نامه‌ای نوشت که اعجاب و تحسین او را برانگیخت. «^{۱۹} چون قدرت شاه اسماعیل اول (حک: ۹۰۵-۹۳۰) را در فزونی دید، در ۹۰۷ به سرزمین عثمانی رفت. بایزید دوم او را به گرمی پذیرفت و مأمورش کرد که تاریخ خاندان عثمانی را به فارسی بنویسد. اما از کتابش، به بهانه این که در حق ایرانیان، گذشت بیش از اندازه روا داشته بود، ایراد گرفتند و مبلغ معهود را به او نپرداختند. آن گاه اجازه سفر حج خواست، اما با تقاضایش موافقت نشد تا پس از درگذشت صدراعظم خادم علی پاشا (که ظاهراً بزرگ‌ترین دشمن او بود)، در ربیع الثانی ۹۱۷ از مکه نامه‌ای به دربار عثمانی نوشت و تهدید کرد که اگر از او رفع ظلم نکنند، در دیباچه و خاتمه کتاب تاریخش - که هنوز نوشته نشده بود - قدر ناشناسی آنان را آشکار خواهد کرد.»^{۲۰}

توجه

در نقد دو سطر اخیر که برگرفته از دانش‌نامه جهان اسلام است باید گفت که در کتاب شرح زندگانی و آثار ادریس نوشته محمد بایراقدار^{۲۱} آمده است که ادریس در طی ۳۰ ماه و بنا به گفته خود ادریس در کتاب هشت بهشت این کتاب را در طی ۲ سال و هفت ماه نوشته است یعنی سال ۹۰۹ هـ/ ۱۵۰۲ م. آغاز و اواسط سال ۹۱۱ هـ/ ۱۵۰۵ م. آن را بپایان رسانده در صورتی که نگارنده این بخش از دانش‌نامه جهان اسلام در این که معتقد بوده در سال ۹۱۷ هنوز دیباچه و خاتمه کتاب نوشته نشده بوده و... راه را به اشتباه پیموده است. چون با توجه به توضیح فوق از ادریس، معلوم می‌گردد کتاب هشت بهشت را قبل از این که به مکه برود تقدیم سلطان عثمانی کرده بوده است. حتی اگر خاتمه را هم ننوشته باشد، بی‌شک دیباچه کتابش را نوشته و تقدیم کرده و این منطقی است که در سال‌های ۹۱۹ هـ/ ۱۵۱۲ خاتمه کتاب را که مربوط به فوت بایزید دوم و جلوس یاوز سلطان سلیم است نوشته باشد.

«سلطان سلیم اول (حک: ۹۱۸ - ۹۲۷) اندکی پس از جلوس بر تخت سلطنت از او دعوت کرد که به استانبول باز گردد. بدلیسی کتاب تاریخش را که بپایان برده بود به او تقدیم کرد. در نبرد چالدران (۹۲۰) در التزام سلطان سلیم بود و با استمالت از امرای سنی‌گردد و مجاب کردن آنان به هواخواهی و تبعیت از عثمانیان، به این خاندان خدمت بسیار کرد. از فرمانی که سعدالدین (ج ۲، ص ۳۲۲) بدان استشهاد کرده است

برمی‌آید که به بدلیسی اختیار تام دادند تا به سرزمین‌های گردنشین نظم و سامان بخشد. در سفر مصر نیز همراه سلطان بود و گویا در آن جا با بدرفتاری عمّال عثمانی به ستیزه برخاست. ^{۲۲}

ز - آثار ادریس

تاریخ بزرگ او، هشت بهشت (حاجی خلیفه، ش ۱۴۴۰۶، ۲۱۵۲، ۲۱۳۱)، یا (قطب‌الصفات الثمانیه فی اخبار قیاصرات العثماني) دربارهٔ دوران حکومت هشت سلطان اول عثمانیان تا بایزید دوم، به شیوهٔ بسیار متصنّفانهٔ منشیان ایرانی و به گفتهٔ خودش به تقلید از سبک کتاب‌های تاریخ جهانگشای جوینی و وصّاف و معین‌الدین یزدی نوشته شده است. سعدالدین برای این تاریخ ارزشی فراوان قایل بوده و اغلب به آن استناد کرده است، (از جمله - ج ۱، ص ۱۵۹) و هم، هامر پورگشتال (- ج ۱، ص سی و چهار)، اما در روزگار آنان بچاپ و نشر نرسید. خاتمهٔ طولانی این تاریخ که تمامی به شعر در مکه سروده شده در وصف جنگ داخلی در پایان حکومت بایزید است و با «شکایت‌نامه» ای که در آن، ادریس از تیره‌روزی‌های خود سخن می‌گوید، پایان می‌گیرد.

پسرش، ابوالفضل بر تاریخ او ذیلی نوشته که شامل حوادث دوران سلطنت سلیم اول است. ^{۲۳} در ۱۱۴۶ شخصی به نام عبدالباقی سعدی، به فرمان سلطان محمود اول (حک: ۱۱۴۳ - ۱۱۶۸) هشت‌بهشت را به ترکی ترجمه کرد که چندان شایستهٔ اعتماد نیست. ^{۲۴} تاریخ کمال پاشازاده، که بعضی آن را ترجمهٔ هشت بهشت شمرده‌اند، به مثابهٔ «نظیره»ی این اثر، ولی کتابی جداگانه و مستقل است.

«بدلیسی، سلیم‌نامه‌ای هم به نثر و نظم پرداخت که با مرگ او ناتمام ماند و بعدها پسرش ابوالفضل آن را منتشر کرد. ^{۲۵}

بدلیسی شاعر و خطاط نیز بود. ^{۲۶} «و در موضوعات مختلف رساله‌هایی نوشت، از جمله: الالباء عن مواقع الالباء؛ ^{۲۷} دو ترجمهٔ فارسی از چهل حدیث؛ ^{۲۸} شرحی بر فصوص‌الحکم؛ ^{۲۹} شرحی بر گلشن راز شبستری؛ ^{۳۰} شرحی بر خمیرهٔ ابن فارض؛ ^{۳۱} حاشیه‌ای بر تفسیر بیضاوی؛ ^{۳۲} ترجمهٔ فارسی حیوة‌الحيوان دمیری ^{۳۳}. طاهربک (ج ۳، ص ۶-۸) هم‌چنین از پنج اثر دیگر او نام می‌برد که به احتمال قریب به یقین شخصاً آن‌ها را دیده است. ^{۳۴} «مرآة‌الجمال در دورهٔ سلطان بایزید دوم نوشته شده. ^{۳۵} قانون شاهنشاهی از آخرین آثار ادریس به احتمال؛ حدود سال ۱۵۲۰ نوشته شده است. ^{۳۶}

در این جا بعد از اشاره‌ای کلی به وضعیت تاریخ نگاری عصر زندگی ادریس بدلیسی در اواخر قرن پانزدهم و نیمه اول قرن شانزدهم میلادی به اختصار به معرفی تاریخ هشت بهشت، محتوا و سبک آن پرداخته خواهد شد.

ح - تاریخ نگاری در دوره عثمانیان

دوره مورد بحث، دوره‌ای است که تاریخ نگاری رسمی عثمانیان شروع شد و این بدان معنی است که اقتدار سیاسی اهمیت زیادی برای تاریخ قایل بوده است. از این رو، در این دوره تاریخ نگاری عثمانی وارد دوره درخشان خود شد و بزرگ‌ترین تاریخ نگاران عثمانی در این دوره رشد یافتند. «محمد نشری» و «عاشق پاشازاده» در رأس تاریخ نگاران این دوره قرار دارند. تاریخ نگاری نیز به موازات رشد فرهنگی آن دوره گسترش و رشد یافت و از سوی دیگر تاریخ نگاری به نظم، همانند تاریخ نگاری به نثر گسترش پیدا کرد و نیز همان گونه که در مورد «سلیم‌نامه» دیده شد، تاریخ نگاری به شیوه تک نگاری درباره پادشاه و سلطان، رشد کرد، اما ساده نویسی (از نظر زبان) به نسبت دوره پیشین، جای خود را به واژه‌های نامه‌جور و مغلق گویی داد.

هرچند عاشق پاشازاده بخشی اعظم از زندگی‌اش را در دوره قبل گذراند، اما همان گونه که خود نیز گفته است، اثر تاریخی مشهور خود «تواریخ آل عثمان» را چون در ۱۲۸۴ م. هنگامی که ۸۶ سال داشت، نوشت. از این رو جزو تاریخ نگاران این دوره بشمار می‌آید. این اثر عاشق پاشازاده، مهم‌ترین منبع تاریخ عثمانی در بین آثار مشابه است.

نشری محمدافندی به عنوان مهم‌ترین تاریخ نگار آن عصر مطرح است. وی که در شهر بورسه مدرس بود و در سال ۹۲۰ هـ/ ۱۵۲۰ م. در همان جا فوت کرد، با اثر خود تحت عنوان «جهان‌نما» که ماهیت تاریخی جهان را بحث می‌کند و به فرمان سلطان بایزید دوم آن را نگاشت، شهرت یافت. این اثر نشری منبع تمام تاریخ نگاران بعدی عثمانی شد.^{۳۷}

یوسف ادرنه‌ای (ادرنوی) با تخلص «شوقی»، روحی چلبی، سنان چلبی که با عنوان «بهشتی» شناخته می‌شود. قوام‌الدین یوسف که با نام «قاضی بغداد» از او یاد می‌شود، صنعوی، جعفر چلبی و ابن کمال از تاریخ نگاران آن دوره‌اند. از بین آنان «سلیم‌نامه»ی کشفی محمد چلبی (ف ۹۳۱ هـ / ۱۵۲۴ م) «سلیم‌نامه»ی شگری، سلیم‌نامه» یا «اسکندرنامه»ی پاشازاده (ابن کمال) با عنوان «تواریخ آل عثمان» به اهتمام شرف‌الدین توران، چاپ بنیاد ترک که آن را بخش به بخش منتشر کرده است. (۱۹۷۰ - ۱۹۵۷)

ط - معرفی هشت بهشت

مهم‌ترین اثر ادريس درباره تاريخ عثمانی و شناخته‌ترین اثر در بين تمام آثار او کتاب «هشت بهشت» است. هم خود اثر و هم عنوان آن به فارسی است. این عنوان گاهی به صورت «هیشته‌بیهیشت» نوشته و خوانده شده است. (برای مثال رک به: احمد زکی ولیدی طغان، سبک در تاریخ، دانش کده ادبیات و فنی دانش‌گاه استانبول، شماره ۴۴۹، استانبول، ۱۹۶۹، ص ۲۰۸) که البته این، نه یک خطا و اشتباه بلکه از اختلاف تلفظ، ناشی شده است.

سلطان بایزید دوم به قصد شروع تاریخ‌نگاری رسمی عثمانیان، به علما و دانش‌مندان آن دوره از جمله ادريس بدلیسی دستور نگارش تاریخی همانند آثار تاریخ‌نگاران مشهور بسان عطاملک جوینی، و صاف، معین‌الدین یزدی، شرف‌الدین یزدی را صادر کرد. به دنبال آن، ادريس بدلیسی شروع به نگارش اثری درباره تاريخ عثمانی نمود؛ و در طی ۳۰ ماه و بنا به گفته خود، طی «۲ سال و ۶ ماه» یعنی در اواسط سال ۹۱۱ هـ/ ۱۵۰۵ م. آن را بپایان رساند و با نام «هشت‌بهشت» به سلطان تقدیم کرد، که این اثر بنا به گفته خود مؤلف^{۳۸} نام دومی هم به عربی دارد که عبارت است از «قطب‌الصفات الثمانيه فی اخبار قیاصرات العثمانيه».

اثر درباره هشت پادشاه نخستین خاندان عثمانی است که سلطان بایزید دوم را هم شامل می‌شود و زمان آنان را توضیح می‌دهد. اثری است بسیار با ارزش، اما متن آن سنگین و ثقیل نوشته شده است و جزو نثر فنی و مصنوع محسوب می‌گردد. اثر دارای ویژگی‌های ادیبی خاص نیز هست که در جای خود اشاره خواهد شد. با این که «هشت‌بهشت» از نوع نثر است، ولی حدود ۸ هزار مصراع شعر نیز در خود جای داده است.

آن‌چه مشخص است، این است که ادريس بدلیسی در نوشتن اثرش از آثار نویسندگان تاریخ عثمانی پیش از خود بهره جسته، اما منابع مورد استفاده را مشخص نکرده است. هنگامی که درباره سلاطین پیش از سلطان بایزید دوم اطلاعاتی بدست می‌دهد، استفاده از آثار تاریخ‌نگارانی مثل «نشری»، «عاشق پاشازاده» و «شکرالله» امری طبیعی است. زیرا بویژه میان مطالب «جهان‌نما» اثر نشری و این اثر ادريس بدلیسی، مشابهاتی وجود دارد، که وجود چنین مشابهاتی، توجه و نظر فرانتز بابینگر [مورخ و ترک‌شناس آلمانی، F. Babinger = ۱۹۶۷ - ۱۸۹۱ م] را نیز جلب کرده است، اما بابینگر با استناد و اتکا به این‌ها در این مورد که محمد نشری از «هشت‌بهشت» ادريس بدلیسی بهره برده، دچار اشتباه شده است. در حالی که عکس آن درست است. یعنی نه

نشری از اثر بدلیسی، بلکه بدلیسی از کتاب نشری استفاده کرده است. از نظر تاریخی نیز باید چنین باشد، چون نشری اثر خود «جهان‌نما» را در سال ۸۹۸ هـ/۱۴۹۲ م. به‌تمام رسانده و به بایزید دوم تقدیم کرده است، در حالی که ادریس بدلیسی حدود ده سال بعد شروع به نگارش «هشت بهشت» نموده است.

این اثر، حاوی یک پیش‌گفتار (مقدمه)، هشت بخش (بهشت) و یک نتیجه (خاتمه) است. در ضمن، هر بخش خود حاوی مقدمه‌ها، پیش‌گفتارها و زیربخش‌های فرعی (فصول) و نتایج است.

فهرست مطالب هشت بهشت

مقدمه

الف: علم تاریخ

ب: خاندان عثمانی و فضایل آنان

بهشت اول: عثمان و زمان وی

الف: مقدمه: ریشه و تبار عثمانیان

ب: پیش‌گفتار اول و دوم: مناسبات سلجوقی - عثمانی، جلوس عثمان بر تخت

و نخستین جنگ‌های عثمانی

ج: ۱۵ داستان (حکایت): ۶ داستان (حکایت) دربارهٔ حوادث پیش از بر تخت

نشستن عثمان، ۹ داستان در ارتباط با حوادث بعدی.

د: نتیجه: فوت عثمان

بهشت دوم: اورخان و زمان وی

الف - مقدمه: دلایل بر تخت نشستن اورخان

ب - پیش‌گفتار اول و دوم: جلوس اورخان بر تخت سلطنت، فضایل و

فرمان‌روایان معاصرش.

ج - ۸ داستان در ارتباط با لشکرکشی‌ها و فتوحات اورخان است.

بهشت سوم: مراد اول و زمان وی

الف - ۱۸ داستان: جلوس مراد اول بر تخت سلطنت، فرمان‌روایی و حوادث زمان

وی

بهشت چهارم: یلدرم بایزید و زمان وی

الف - پیش‌گفتار اول و دوم: جلوس بایزید اول بر تخت سلطنت و فضایل وی

- ب - ۱۶ داستان (حکایت) فرمان‌روایی بایزید اول و حوادث دوران وی
بهشت پنجم: محمد اول و زمان وی
 الف - مقدمه: جلوس محمد اول و فضایل وی
 ب - ۲۸ داستان (حکایت): فرمان‌روایی محمد اول و حوادث زمان وی
 ج - نتیجه: فوت محمد اول
بهشت ششم: مراد دوم و زمان وی
 الف - پیش‌گفتار اول و دوم، جلوس مراد دوم بر تخت سلطنت و فضایل وی
 ب - ۲۸ داستان (حکایت): فرمان‌روایی و حوادث دوران مراد دوم
 ج - نتیجه: فوت مراد دوم
بهشت هفتم: محمد دوم (فاتح) و زمان وی
 الف - مقدمه اول: جلوس محمد دوم بر تخت سلطنت
 ب - مقدمه دوم: سلاطین و پادشاهان معاصر وی
 ج - پیش‌گفتار (مدخل یا مقدمه)
 قلب: فضایل محمد دوم
 جناح اول: فرزندان محمد دوم
 جناح دوم: وزرا و فرمان‌دهان محمد دوم
 د - ۲۹ حکایت: ۲۹ لشکرکشی علیه حکومت‌های مسیحی و مسلمان
بهشت هشتم: بایزید دوم و زمان وی
 الف - مقدمه: فضایل بایزید دوم
 ب - مدخل: فرمان‌روایی بایزید دوم، سلاطین و پادشاهان معاصر وی
 ج - قلب: جلوس بایزید دوم بر تخت سلطنت
 د - بحث اول: ۸ حکایت: لشکرکشی‌ها، فتوحات بایزید دوم و دیگر حوادث
 ه - بحث دوم:
 جناح اول: فرزندان بایزید دوم، وزرا و فرمان‌روایان و امرای وی
 جناح دوم: علما و دانش‌مندان دوره بایزید دوم
 خاتمه: فوت بایزید دوم و جلوس یاوز سلطان سلیم بر تخت سلطنت.
 محتوای «هشت‌بهشت» بدین ترتیب بطور مختصر معرفی شد، اما در این‌جا در مورد تاریخ نگارش اثر، پرسشی پیش می‌آید. در پیش‌با استناد به منابع، اشاره شد که اثر در سال ۱۵۰۶ م. پایان رسیده است، ولی بخش نتیجه (خاتمه) همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، مربوط به فوت بایزید دوم و جلوس یاوز سلطان سلیم، یعنی مربوط

به حوادث سال ۱۵۱۲ م. می‌گردد. در این صورت دست‌کم حتی اگر بخش اصلی «هشت‌بهشت» در سال ۱۵۰۶ م. بپایان رسیده باشد، نیز در این حال باید پذیرفت که بخش خاتمه، اندک زمانی بعد نوشته شده است. بنابراین، در کل باید گفت که تاریخ اتمام اثر در سال ۱۵۱۲ م. است و به همین خاطر هم هست که محمدطاهر بوروسی، تاریخ نگارش اثر را ۹۱۹ هـ/۱۵۱۲ م. ذکر کرده است.^{۳۹}

این اثر ادریس بدلیسی جزو ارزش‌مندترین منابع تاریخ عثمانی است و برای مورخان بعد از وی به صورت منبع و مأخذ درآمده و در مورخان تأثیر زیادی نهاده است. بویژه آن که خواجه سعدالدین در «تاج‌التواریخ» مصطفی عالی، در «کنه‌الخبار» رومی ادرنوی در «سلیم‌نامه» و منجم‌باشی در «صفایح‌الخبار» از «هشت‌بهشت» بهره بسیاری برده‌اند.

«هشت بهشت» هنوز هم (تاکنون) به صورت خطی باقی مانده و متأسفانه تا به امروز کاری در مورد این اثر [اعم از چاپ، ترجمه و...] صورت نگرفته است. هرچند د. س. مارگیلوث D. S. Margoliouth خاورشناس مشهور وعده داده بود که متن فارسی اثر را همراه با ترجمه انگلیسی آن در "Oriental Translation Fund Seris" در Royal Asizatic Society چاپ و منتشر خواهد کرد، ولی نتوانست به قول خود عمل کند.^{۴۰}

الف - در ترکیه

در کتاب‌خانه‌های اسعد افندی شماره ۲۱۹۷، نورعثمانیه، شماره ۳۲۱۱-۳۲۰۹؛ علی امیری افندی، شماره ۷-۸۰۰، ۳۲۱۱، کوشک روان، شماره ۱۵۱۵، خالص افندی، شماره ۳۳۶۴، رضاپاشا، شماره ۸۸۸، لالا اسماعیل، شماره ۳۷۹، عاطف افندی، شماره ۱۹۴۶، ایاصوفیه، ۳۵۴۱، سلطان احمد دوم، شماره ۲۹۱۴؛ و بایزید، شماره ۵۱۶۱.

ب - در سایر کشورها

در کتاب‌خانه‌های بانکیپور، شماره ۴-۵۳۲ VI، برلین ۳۱۷۹ Ms. orient، چانیکف، شماره ۸۵، قاهره، شماره ۵۰۹، مجلس (تهران) شماره ۲۷۶؛ افسالا، شماره ۲۷۴؛ کالج براون؛ شماره ۹-H.

نسخه‌های خطی موجود در دست نگارنده:

۱. نسخه‌ی اساس مربوط به کتاب‌خانه سلیمانیه به شماره ۲۱۹۷.
۲. نسخه‌ی مسوده مربوط به کتاب‌خانه نورعثمانیه به شماره ۳۲۰۹.

۳. نسخه معیار که روی اولین برگ آن به خط لاتین نوشته شده است «خزینه» به شماره ۱۶۵۵ که مربوط به کتاب‌خانه لندن است.
۴. نسخه چهارم که نسخه بسیار کوچک و کم حجمی است که آغاز و انجام آن موجود نیست این نسخه به شماره ۴۳۰۵ مربوط به کتاب‌خانه فاتح ترکیه است.

نسخ فوق سال ۱۳۸۷ شمسی، جهت شناسایی و تشخیص از نظر استاد نجیب مایل هروی نسخه‌شناس مشهور گذرانده شد. ایشان با روش نسخه‌شناسی تطبیقی نخست به تصفح و تورق نسخه‌های مختلف پرداخته و بعد با ملاحظه کردن ویژگی‌های مشترک و مفترق آن‌ها و دقت در ساخت زبانی مؤلف و نیز سبک نویسندگی و سایر وجوه نسخه‌شناسی، معتقد بودند سه نسخه اول دست‌خط خود مؤلف است. طبق آداب نسخه‌شناسی و تجربیاتی که دارند در نسخه‌شناسی این چهار نسخه، نسخه اساس، مسوده و معیار را مشخص نمودند. نسخه چهارم را به علت وجود آشفتگی و نواقص آن، مناسب مطابقت کردن ندانستند و اظهار داشتند که نسخه اول (کتاب‌خانه سلیمانیه) را به علت وجود حواشی زیاد، قلم‌خوردگی و بسیاری پارامترهای علم نسخه‌شناسی، باید نسخه اساس قرارداد و نسخه دوم را به علت افزودن برخی جملات و پاراگراف‌ها، و دقتی که مؤلف در پاک‌نویس آن داشته، نسخه مسوده قرارداد و نسخه سوم را که روی آن نوشته شده (خزینه) باید نسخه معیار قرارداد، چون این نسخه نهایی مؤلف است و در واقع نسخه آماده شده برای تقدیم به خزینه پادشاهی است. از نظر علم نسخه‌شناسی در جایی که نسخه «معیار» وجود داشته باشد، باید آن نسخه را مبنای کار قرارداد و آن را با نسخ دیگر مطابقت کرد.

نسخه‌های موجود به صورت میکروفیلم تهیه گردید و بعد در دانش‌گاه تهران بخش نسخه‌های خطی تبدیل به سی دی شد. در حال حاضر نمونه‌ای از این چهار نسخه در کتاب‌خانه دانش‌گاه تهران بخش نسخ خطی که سال ۸۷ شمسی توسط نگارنده تحویل شده، موجود است. با دقت در صفحات آغاز و انجام، هر چهار نسخه که از میکروفیلم گرفته شده، می‌توان تا حدودی به عناوین تبیین توضیحات فوق آن را پذیرفت.

ارزش هشت‌بهشت

در دوره عثمانیان به هشت‌بهشت بیش‌تر از امروز توجه شده است. زیرا سلطان محمود اول پادشاه عثمانی، در سال ۱۱۱۶ هـ. ق/ ۷۳۳ م. دستور داد این کتاب به

ترکی ترجمه شود و عبدالباقی سعدی (ف، ۱۱۶۱ هـ/۱۷۴۸ م) آن را ترجمه کرد و عنوان آن نیز «هشت بهشت» است. مترجم کاتب دیوان بود و بعد در هوتین (شهری در لهستان) به مقام دفترداری رسید. وی که تخلص «سعدی» داشت، اهل «وان» و برادر دُرّی افندی بود، بنابه نظر بابینگر، ابن کمال نیز «هشت بهشت» را به ترکی ترجمه کرد اما نه تنها تا به امروز به چنین ترجمه‌ای برخورد نشده است، بلکه در فهرست و منابعی که از آثار ابن کمال آورده است نیز چنین اثری وجود ندارد و اطلاعاتی در این خصوص بدست داده نشده است. هم‌چنین استوری، از ترجمه‌ای دیگر از «هشت بهشت» سخن می‌گوید که توسط حسین بن حسن منشی صورت گرفته که نسخه‌ای از آن تحت شماره ۴۳ (سمنیوف Seminov) بخارا ثبت شده است.^{۴۱} اما درباره این ترجمه نیز هیچ گونه اطلاعاتی بدست داده نشده است.

ترجمه عبدالباقی سعدی، به صورت نسخه خطی در کتابخانه‌های زیر موجود است: کتابخانه‌های ایاصوفیه، شماره ۳۵۴۴؛ نورعثمانیه، شماره ۳۰۷۸؛ کتابخانه ملی وین؛ شماره ۹۹۴؛ کتابخانه سلطنتی استکهلم، شماره ۷۰؛ و حمیدیه، شماره ۹۲۸. هم‌چنین پیداست که ابوالفضل محمدافندی، پسر ادریس بدلیسی، «ذیلی» بر «هشت بهشت» پدر نوشته است. این ذیل، «سلیمان‌نامه» و یا ذیل «هشت بهشت» نام دارد. گفته شده است که نگارش این «ذیل» در سال ۹۷۴ هـ/۱۵۶۶ م. پایان رسیده است.^{۴۲}

این اثر (ذیل هشت بهشت) به صورت نسخه خطی در کتابخانه‌های زیر موجود است: کتابخانه‌های لالا اسماعیل افندی، شماره ۲/۳۴۸؛ کوشک روان، شماره ۱۵۴۰؛ اسعد افندی، شماره ۲۴۴۷؛ گوته، شماره ۴۱.

لازم است به مطلب دیگری به عنوان آخرین مطلب در خصوص «هشت بهشت» اشاره شود. (کلمان هورا Cl. Huart) نوشته است که «هشت بهشت»، ۸۰۰۰۰ مصرع دارد^{۴۳} که اشتباه است. همین خطا و اشتباه در مدخل «ادریس بدلیسی» در «دایرةالمعارف اسلامی» نیز تکرار شده است.^{۴۴} به هر صورت همان‌گونه که در پیش هم گفته شد، در «هشت بهشت» حدود ۸ هزار مصرع وجود دارد و مؤلف مذکور به احتمال در ذکر رقم اشتباه کرده، یا ۸۰ هزار مصرع موجود در «سلیمان‌نامه» را با آن خلط کرده است. (ذکر این نکته ضروری می‌نماید که با دقت در اشعار موجود در نسخه‌های خطی هشت بهشت باید گفت همه اشعار از خود مؤلف نیست. بلکه برخی تضمین از شعر شعریایی مانند نظامی، سعدی، حافظ، سنایی، خاقانی و... است و بخشی هم اشعار خود مؤلف است که اکثراً در این موارد حکیم ادریس، قبل از آوردن شعر می‌نویسد: «لمؤلفه»

تا بدین وسیله سراینده برای خوانندگان معلوم گردد و این‌که نام سراینندگان دیگر را نیاورده است، شاید به سبب این باشد که گمان برده است برای خواص اظهر من الشمس است. به مثال‌های زیر توجه شود:

- تویی کافریدی ز یک قطره آب گهرهای روشن‌تر از آفتاب^{۴۵}
- خواه‌امید گیر و خواهی بیم هیچ بر هرزه نافرید حکیم^{۴۶}
- غلام همت آن نازنینم که کار خیر بی روی و ریا کرد^{۴۷}
- هر که در این خانه شبی داد کرد خانه فردای خود آباد کرد^{۴۸}

سلیم‌نامه

دومین اثر ادریس بدلیسی در رابطه با تاریخ عثمانی، «سلیم‌نامه» است که شبیه دیگر سلیم‌نامه‌ها فقط دوره سلطان سلیم را مورد بحث قرار داده است. این اثر در برخی از منابع به صورت سلیم‌شاه‌نامه نیز آمده است. ادریس بدلیسی این اثر را بنابه خواسته یاوز سلطان سلیم نوشت. اثر به فارسی و بخشی به نثر و بخشی به نظم است. اثر حاوی ۸۰ هزار مصرع بوده و شامل دو مقدمه (مدخل) و دو بخش اصلی است. موضوع اثر عبارت است از: تولد سلطان سلیم [اول]، دوران طفولیت، دوره والیگری وی، جنگ‌هایش، به سلطنت رسیدن او در سال ۹۱۸ هـ/ ۱۵۱۲ م، حوادثی که ادریس بدلیسی در فاصله سال‌های ۹۲۶ - ۹۱۷ هـ/ ۱۵۱۹ - ۱۵۱۲ م، شخصاً شاهد آن بوده است.

هرچند بطور قطع مشخص نشده است که ادریس بدلیسی در چه زمانی آغاز به نگارش این اثر کرده است، اما می‌توان گفت که آغاز نگارش، سال ۱۵۱۲ م، یعنی سالی که سلطان سلیم اول سلطنتش را آغاز کرد و یا در تاریخی پس از آن بوده است. هنگامی که ادریس بدلیسی در ۱۵۲۰ م. فوت کرد، این اثرش هنوز پایان نرسیده بود. بنابه اطلاعاتی که پسرش ابوالفض محمدافندی بدست داده، وی بنابه فرمان سلطان سلیم قانونی موظف شد که یادداشت‌های پراکنده پدرش را جمع‌آوری کرده، به تصنیف آن پرداخته و با اضافه کردن مطالبی برای پرکردن خلأها و کاستی‌ها و نوشتن مقدمه‌ای بر آن، اثر را پایان رساند.^{۴۹} بنظر می‌رسد که اثر در خلال سال ۱۵۶۶ م. پایان رسیده است. «سلیم‌نامه» آخرین اثر ادریس بدلیسی است که برشته تحریر درآورد و سعی کرد بیانش برساند.

نسخه‌های خطی بسیاری از این اثر در دست است که در کتابخانه‌های زیر موجود است: کتابخانه‌های روان، شماره ۱۵۴۰؛ لالا اسماعیل افندی، شماره ۲/۳۴۸؛ خزانه امانت، شماره ۱۴۲۳؛ لندن، ۳۴۹۶۰: Add؛ کتابخانه دانش‌گاه منچستر، شماره ۲۷؛ کتابخانه ملی پاریس، شماره ۲۳۵؛ که این نسخه‌ها کپی شده برای صوقلی محمد پاشا صدراعظم دوره سلطان سلیمان قانونی و سلطان سلیم دوم است.

نامه‌ها و اشعار

ادریس بدلیسی اشعاری بسیار دارد. بخشی از این شعرها هر چند در آثار مختلف وی آمده است، برخی نیز بطور مستقل و جداگانه گردآوری شده که نسخه‌ای از آن‌ها در مجموعه‌ای تحت شماره ۱۸۸۸ در کتابخانه اسعد افندی، گردآوری شده است. قصاید وی با نام‌های «بهاریه» و «خزانیه» هم چنین قصایدی که برای سلطان سلیم اول و مصطفی پاشا، داود پاشا و اسکندر پاشا نوشته، شهرت دارند. بطور مثال ۲۷۰۰ بیت شعری که به شیوه مثنوی برای سلطان سلیم اول نوشته و در آن‌ها حال و کردار سلطان را بتصویر کشیده و در پایان «هشت بهشت» آورده که نمونه‌ای است از اشعار ادریس بدلیسی. هم‌چنین در بخش مقدمه قانون شاهنشاهی نیز «نعت شریف» یعنی مدیحه برای پیامبر (ص) وجود دارد.

در مورد نامه‌هایش نیز باید گفت که ادریس بدلیسی نامه‌هایی نوشته که ارزش و اهمیت سیاسی و تاریخی دارد. بخش اعظم نامه‌هایی که برای دولت‌مردان و مسؤولان نوشته، همراه با برخی از اشعارش در مجموعه‌هایی نگهداری شده است.

تصنیف کرونولوژیک (سال شمار) آثار ادریس بدلیسی

تا این جا سعی شد که آثار ادریس بدلیسی با توجه به شاخه و شعبات علمی آن معرفی گردد. با در نظر گرفتن آثار قابل استناد بیوگرافی (زندگی نامه) و بیبلوگرافیکی کلاسیک (منبع‌شناسی) و احتساب مجموعه اشعار و نامه‌های وی، ادریس بدلیسی ۲۸ اثر داشته است؛ به ۸ اثر از مجموعه ۲۸ اثر متعلق به وی، تا به امروز در هیچ جایی برخورد نشده است، بنابراین آثار مفقوده بشمار می‌رود. بیست اثر باقی‌مانده دیگر در کتابخانه‌های مختلف وجود دارد. از این رو، ابتدا به ذکر کرونولوژیکی آثار موجود با توجه به آنچه که در اثر بایراقدار درج شده است، به ترتیب زمان نگارش آن‌ها و بعد به آثار مفقود پرداخته می‌شود.

الف - آثار موجود

- ۱- رساله خزائیه: بنظر می‌رسد نخستین اثر ادریس بدلسی است و قطعاً بعد از سال ۱۴۷۸ م. نوشته شده است.
- ۲- رساله بهاریه یا «ربیع‌الابرار»: این اثر چون در اواخر دوره فرمانروایی سلطان یعقوب آق‌قویونلو نوشته شده است، باید حدود سال ۱۴۹۰ نوشته شده باشد.
- ۳- مناظرات الصوم و العید: این اثر در خلال سال ۱۵۰۲ م. نگارش یافته است.
- ۴- هشت‌بهشت: نگارش این اثر در سال ۱۵۰۲ شروع و در سال ۱۵۰۵ م. پایان رسیده است.
- ۵- ترجمه و تفسیر حدیث اربعین: با توجه به این که این اثر پس از پنجاه سالگی مؤلف آغاز به نگارش شده است، بنابراین تاریخ نگارش آن باید بعد از سال ۱۵۰۲ م. و در دوره سلطان بایزید دوم باشد.
- ۶- ترجمه و نظم حدیث اربعین: این اثر نیز در دوره سلطان بایزید دوم و بعد از سال ۱۵۰۲ م. باید نوشته شده است.
- ۷- مرآةالجمال: در دوره سلطان بایزید دوم و به تخمین در فاصله سال‌های ۱۵۰۸-۱۰ م. نوشته شده است.
- ۸- حاشیه‌الی تفسیر بیضاوی: در دوره سلطان بایزید نوشته شده است، ولی ذکر تاریخی دقیق و قطعی دشوار است.
- ۹- شرح اسرارالصوم من شرح اسرارالعباد: این اثر در سال ۱۵۱۱ م. در مکه نوشته شده است.
- ۱۰- رساله الالباء عن مواقع الوباء: حدود سال ۱۵۱۲ م. نوشته شده است.
- ۱۱- حق المبین فی شرح حق الیقین: در فاصله سال‌های ۱۴-۱۵۱۲ م. نگارش یافته است.
- ۱۲- مرآةالعشاق: در دوره سلطان سلیم اول و به احتمال حدود سال ۱۵۱۵ م. نوشته شده است.
- ۱۳- مناظره عشق با عقل: تعیین تاریخی دقیق برای نگارشش دشوار است.
- ۱۴- ترجمه حیات الحیوان: در فاصله سال‌های ۱۵۱۸-۱۵۱۷ م. نوشته شده است.
- ۱۵- رساله فی النفس: تعیین تاریخ دقیق نگارش آن دشوار است.
- ۱۶- قانون شاهنشاهی: از آخرین آثار ادریس بدلسی است و به احتمال حدود سال ۱۵۲۰ م. نوشته شده است.

- ۱۷- سلیم‌نامه: این اثر نیز از آخرین آثار مؤلف است که در سال ۱۵۲۰ م. هنوز
بپایان نرسانده بود.
- ۱۸- قصاید، منشآت و مراسلات
- ۱۹- مجموعه منشآت
- ۲۰- المنشآت: این سه‌اثر اخیر، آثار حاوی اشعار و نامه‌های ادریس بدلیسی است.
این اشعار و نامه‌ها در زمان‌ها و تاریخ‌های مختلف نوشته شده است.

ب - آثار مفقوده

- ۲۱- شرح حاشیة تجرید
- ۲۲- ردیه‌ای بر رافضیان
- ۲۳- کنزالخفی فی بیان مقامات صوفی
- ۲۴- تحفه درگاه عالی
- ۲۵- شرح فصوص‌الحکم
- ۲۶- شرح‌الخمیره
- ۲۷- شرح منظومه گلشن راز
- ۲۸- رساله در اباحت آغانی

زبان فارسی در عثمانی

از تجدد و انقلاب لغویون هند که بگذریم - سایر ادبای هند بطور کلی از نویسندگان ایران پیروی می‌کردند و این پیروی نه تنها در هندوستان بلکه در خاک عثمانی هم رواج داشت و ادبیات پارس چنان‌که گفتیم در استانبول از دیرباز متداول و زبان علمی - ادبی و دیوانی عثمانیان بود و با زبان تازی رقابت می‌کرد، سلاطین آل عثمان به فارسی شعر می‌گفتند، مراسلات درباری عثمانیان غالباً به پارسی بود، فقط در موقع قهر و خشم به ترکی نامه می‌نوشتند و منشآت فریدون‌بیک گنجینه این آثار است و تأثیر زبان فارسی در زبان ترکی عثمانی نه به درجه‌ای است که بتوان در سایر‌السنه نظیری برایش جست و شعر ترکی در مرتبه دون شعر فارسی قرار داشته است، بلکه شعر ترکی را شعر نمی‌شمردند.^{۵۰}

«انقراض ایلخانان مغول در سنه ۷۵۰ هـ. ق موجب آن گردید که حکومت‌های محلی کوچک و بزرگ بوجود آمدند، مانند آل جلایر در بغداد و قره‌قویونلو در آذربایجان و آق‌قویونلو در دیاربکر و آذربایجان و عثمانیان در آسیای صغیر و طغاتی‌مور در

طبرستان و آل مظفر در فارس و یزد و کرمان و سربداران در خراسان غربی و آل گُرت در هرات و غور و... و جای دولت مرکزی که بتواند این کانون‌های مختلف را مانند عصر ایلخانان اداره کند، خالی مانده بود. بنابراین کانون تهاجم صحرانوردان یعنی ماوراءالنهر (لانه زنبور) بار دیگر به شرارت برخسات. که اثر زخم این شر کمتر از زخم چنگیز نبود و آن یورش تَمَرلنگ (امیر تیمور گورکان) است. «^{۵۱}

سبک نثر هشت بهشت

همان‌طور که در پیش اشاره شد، این کتاب به شیوه مترسلان خوارزمی و جهانگشای جوینی نوشته شده است، لیکن قدری متکلفانه‌تر عمل کرده است. مؤلف در انشای آن بسیار کوشیده است تا سبک عظاملک جوینی را پیروی کند. به عقیده دکتر شمیسا در نثر مصنوع این دوره ابداً از حلاوت و فخامت نثر فنی قرن ششم و هفتم خبری نیست و هرچه هست تکلف، تعسف، بی‌ذوقی و غلط‌پردازی است.

برخی از مختصات عمده هر سه نوع نثر دوره صفویه (نثر ساده، مصنوع، بین‌بین) که تا چندی پیش گریبان‌گیر نثر فارسی بود، عبارت است از:

- استفاده از آیات و احادیث
- استفاده از ضرب‌المثل‌ها و عبارات عربی
- درآمیختگی نظم و نثر
- وجه وصفی که معمولاً به صورت غلط و گاهی درست بکار رفته است و به هر حال ناخوشایند است. برای مثال: بساط نشاط مبسوط گردانیده آن روز را نوروز نام نهاد.
- جمع بستن با «ات» در کلمات عربی، فارسی، ترکی و مغولی
- مطابقت صفت و موصوف قرون ماضیه
- تابع اضافات در مقام تعریف و تمجید از بزرگان به سبب قرینه‌پردازی و موازنه
- جملات طولانی
- به سبب آوردن کلمات مترادف، وجوه وصفی، آیات و احادیث، عبارات عربی، شعر، بازی‌های لفظی مخصوصاً توجه به اشتقاق، قرینه‌پردازی و... .
- استعمال افعالی چون گشتن و نمودن در معنای مجازی... تکریم بسیار نمودند.

- ترکیبات غلط از جمع بین فارسی و عربی حسب فرمان
- القاب احترام‌آمیز: قسم دوم از خسروان روی زمین و پادشاهان صاحب اقتدار. . . سلطان کامیاب اعنی مهر جهان تاب بر تخت‌گاه سپهر بلند قباب...
- از بین رفتن مختصات زبانی فارسی کهن چون آوردن ب بر سر افعال، همی، اندر افعال پیشاوندی، جابه‌جایی مضارع اخباری و التزامی، انواع یاء و...^{۵۲}

ویژگی‌های نثری کتاب هشت بهشت

- از ویژگی‌های مهم نثر کتاب هشت بهشت حکیم ادریس بدلیسی، می‌توان فهرست‌وار به موارد زیر اشاره کرد:
 - استفاده از آیات و احادیث، مانند:

ماشأالله این چه دریای عَمَّان رحمت و عطای بی‌کران است و این چه محیط سحاب‌انگیز در افاضه مَکْرُمَت و احسان که یک قطره نطفه بی‌مقدار آن سرزنش شنیده خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ^{۵۳} و آن یک رشحه ذره‌کردار آن شماتت کشیده خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَ خَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ^{۵۴} را از امصار امطار و ترشیح اقطار شبمنی از بحار زخار نوال پرتوال در ظللال اطلال گلشن جود و افضال از هر دو گلستان پر زواهر افلاک و جواهر عناصر، انور و ازهر فرمودی.
 - درآمیختگی نظم و نثر: مثال در نمونه ذیل آمده است.
 - فراوانی واژه‌های عربی در نثر که سبب شده گاهی الفاظ عربی جای واژه‌های فارسی را هم بگیرند مانند: امطار و امصار، طوامیر و مصباح وضاح. . .
 - بکاربردن نام جای‌ها و مکان‌ها و اشخاص و اقوام ترکی مانند: آینه نقول، آینه گول، شیخ اده‌بالی و اورخان و...^{۵۵}
 - رواج ترکیب‌های جمله مانند که بیشتر به صورت تتابع اضافات آمده، مثل: استلام بارگاه سپهر استلام. یا... ملک فرح رسوم. . . اکمل قیاصره شرایع انتصار. . .
- اطناب و درازگویی در میان اکثر صاحب قلمان این دوره بویژه در نثرهای تاریخی و توصیفی یا در منشآت، بویژه در سلطانیات عمومیت دارد و بخصوص در دیباچه‌ها و سرفصل‌ها و مقدمه‌چینی‌ها و فرمان‌های شاهی بوفور دیده می‌شود.
- نثر مصنوع در این دوره، نماد و نمودی ممتاز ندارد. زیرا نه زمان، اقتضای ایجاد آن را می‌کند و نه نویسندگان و خوانندگان مایه و سواد لازم برای ایجاد و التذاذ از

آن را دارند و آنچه بیش‌تر مورد توجه است، اطناب، واژه‌های مسجع و مترادف و مضاعف بر یک‌دیگر و عبارت‌سازی‌های بی‌مزه است که پس از دوره آغازین عصر صفوی، بتدریج مطبوع اهل زمان می‌شود و انشای متمایل به صنعت‌گری یا نثر مصنوع، مطلوب واقع می‌شود. «^{۵۵} اما با این همه در بسیاری از بخش‌های کتاب، نثر ادریس بسیار اعجاب‌انگیز است و قلمی بسیار استوار بر سطر سطر آن دیده می‌شود.

حال نمونه‌هایی از نظم و نثر ادریس، منتخب از نسخه خطی هشت‌بهشت کتاب‌خانه نورعثمانیه را جهت آشنایی خوانندگان با سبک و شیوه این حکیم فاضل می‌آوریم.

نمونه نثر

اولین صفحه از هشت‌بهشت در مناجات پروردگار متعال:

تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ^{۵۶} حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ ^{۵۷} نِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ ^{۵۸} فسبحان من دام سلطانه به ملک قدیم و عزّ مقیم له الحکم ^{۵۹} و الملك و الحکم فیما یشاء به لطف عظیم و فضل عمیم. ای سلطان ملک لم یزل و مالک ملک لا یزال، وی پادشاه عالم‌پناه کشور رحمت و افضال، به فرمان روایتی سطوت کبریا و جلال در ملک بقای وجود با وجود بنده‌نوازی‌های تُوْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ ^{۶۰} به مملکت‌داری کشور امکان و به‌انفاز امر کن فکان همیشه بی‌شریک و انبازی و در بقای ملک غیب و شهود از غیرت غیرپردازی‌های وَتَتَرَعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ ^{۶۱}، از معنویت تدبیر وزیر ظهیر و مؤنت تأیید عبید و نصیر در کمال استغنا و بی‌نیازی‌ها، ارکان کاخ قیومی ذات در عرصه وجود و دوام، متعالی‌تراست از اندازه گمان امکان تزلزل و اخلال و هطلان، دیمه دیمومی صفات در توارّد و فیوض عطا و انعام بی‌انضمام متوالی‌تر است از احتمال عروض منفصت و انفصال.

نمونه‌ای از نظم ادریس از همین کتاب در باب عاشق شدن عثمان‌بیگ غازی بر دختر شیخ اده‌بالی:

واقعه اول در کیفیت ابتلای عثمان‌بیگ در بدایت دولت به تعلق عشق به عشق مجازی و مجازی نهایت آن تعلق به وصول مطالب دینی و دنیوی در کمال کامکاری و بی‌نیازی، قال الله تبارک و تعالی وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ ^{۶۲} صدق الله مقالة شوقیه فی حاله عشقیّه، لمؤلفه:

ای آن‌که تو بی‌بیه چشم بینش شاهنشاه ملوک آفرینش

در مُلَکَتِ عَشَقِ آن‌چه پیداست عالم همه صورت و تو جانی وز پرتو مهر توسط ظاهر جاوید، دلی است زنده عشق از جلوۀ عشق در تجلّی افسانۀ خسرو است و شیرین عشق آینه، ناظر است عاشق عشق است رفیق و مونس دل جان ارچه عزیز در جهان است	از شوق مَحَبَّتِ تو شیداست جانی که به اوست مهربانی ذرات وجود این مظاهر... آزاده، کسی است بنده عشق مجنون شده مبتلای لیلی از قصه عشق گشته رنگین عذرا چو عذار دیده وامق بی عشق زجان و دل چه حاصل تو عشق گزین که جان جان است...
---	---

قبل از نتیجه‌گیری جهت آشنایی بیشتر علاقه‌مندان به آثار و شخصیت ادریس بدلیسی منابعی را که در دانش‌نامه جهان اسلام ذکر شده است، معرفی می‌شود.

منابع دانش‌نامه جهان اسلام در خصوص ادریس

شرف‌الدین بن شمس‌الدین بدلیسی، شرف‌نامه، چاپ ولیامینوف - زرنوف، پترزبورگ ۱۸۶۰، زرنوف، پترزبورگ، ۱۸۶۰، ص ۳۴۲ به بعد، ترجمه فرانسوی F. B. Charmoy، ج ۲، کتاب اول، ص ۲۰۸ به بعد (که در آن هشت بهشت، شاید سهواً به جای سلیم‌نامه منظومه‌ای مشتمل بر ۸۰۰۰۰ بیت وصف شده است، این اشتباه را C. Huart در مقاله "Bidlisi" در دایرةالمعارف اسلام، چاپ اول، "Idris Bitlisi" در دایرةالمعارف اسلام ترک نیز تکرار کرده است)؛ مصطفی بن عبدالله حاجی خلیفه، کشف‌الظنون، چاپ فلوجل؛ محمدبن حسن سعدالدین، تاج‌التواریخ؛ بروسه‌لی محمدطاهر بگ، عثمانلی مؤلفلری، استانبول ۱۳۳۳ - ۱۳۴۲؛ مستقیم‌زاده، تحفه‌الخطاطین، استانبول ۱۹۸۲؛ Dnu nenmas red rebierhcssthcihcesG eiD؛ regnibaB. f ihre werke, leiden 1927, 45ff brockelmann, Geschichte der arabischen letterature, leidn 1943-1949, Supplementband, 1937-1942, Joseph V. Hamer-Purgeshtall, Geschichte des osmanischen Reiches, Graz 1963, II, 432ff.

(برای فعالیت‌های ادریس در کردستان، که عمدتاً در ذیل ابوالفضل آمده است)؛

A. Karahan, Islam- Turk Edebiyatinda Kirk Hadis, Istanbul 1954, Charles Rieu, Catalogue of the Persian manuscripts in the British Museum, Oxford 1966. i, 216-219, C. Astorey, Persian literature: a bio-bibliographical survey, London 1927-, II/2, 412-416.

(جدیدترین و کاملترین بررسی نسخ خطی)؛

M. Sukru, "Das Hest Bihisht des Idris Bitlisi", Der Islam, XIX(1931) 131-157

(بررسی نسخ خطی استانبول، شامل دست‌نوشته‌هایی به تاریخ ۹۱۹ و تحلیل

مندرجات آنها تا مرگ اورخان)؛ (F. Tauer, Archiv Orientalnl, IV (1932)

قطعه‌ای از ترجمه عبدالباقی را F. Babinger در Der Islam, XI (1921), 42ff

و قطعاتی چند از متن فارسی را F. Giese در این منبع نقل کرده است:

Die Verschiedenen Textrezensionen des Asiqpasade, Abh. Pr. AK. W. 1936, Phil-Hist. KL. No. 4.

d après le in Melanes در H. Masse ترجمه در برخی قطعات سلیم‌نامه

Syriens offerts a M. Rene Dussaud, Paris Selim Ier en Syrie, Selim – name, 1939, II, 779-782

در آن برای رفتن به زیارت خانه خدا اجازه می‌خواهد (E3156)) و نامه‌ای که از مکه فرستاده است (E5675)) همراه با خلاصه‌ای به زبان ترکی توسط Bell. , VII [1943],

198 در F. R. Unat چاپ شده است. نامه‌ای از بدلیسی به سلیمان اول و مهر ادریس در این منبع چاپ شده است.

I. H. UzuncarsILI, Osmanli Tarihi, II, Ankara 1949, PI. XXI

/ مناز (دایرةالمعارف اسلام)

پی‌نوشت‌ها

۱. انوری، حسن، فرهنگ اعلام سخن، ج ۳، تهران، سخن، ۱۳۸۷.
۲. بهار، ملک‌الشعرا، سبک‌شناسی یا تاریخ تطور نثر فارسی، به کوشش دکتر سیدابوطالب میرعابدینی، تهران، توس، ۱۳۸۰، ص ۴۲۱.
۳. صفا، ذبیح‌الله، مختصری در تاریخ تحوّل نظم و نثر فارسی، تهران، ققنوس، ۱۳۶۸، ص ۸۹.
۴. رستگار فسایی، منصور، انواع نثر فارسی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانش‌گاه‌ها (سمت)، ۱۳۸۰، ص ۵۱۰.
۵. بایراقدار، محمد، ادریس بدلیسی، انتشارات وزارت فرهنگ ترکیه، ۱۹۹۱، آنکارا.
۶. رک به: نفیسی، سعید، نظم و نثر در ایران و زبان فارسی، تهران، ۱۳۴۴، ص ۲۵۳.
۷. بایراقدار، همان
۸. انوری، حسن، همان

۹. قراخان، عبدالقادر، «نگاهی کلی به ترجمهٔ چهل حدیث» در مجلهٔ ترک شناسی، ج ۱۰، استانبول ۱۹۵۳، ص ۲۳۵ و همو، بررسی ادبیات ترک باستان، انتشارات دانش‌کدهٔ ادبیات و فنی دانش‌گاه استانبول، شماره ۲۶۵۹، استانبول، ۱۹۸۰، ص ۹۸.
۱۰. شکری، محمد، تأسیس حکومت عثمانی، آنکارا، ۱۹۳۴، ص ۱۰.
۱۱. رک به: توکلی، حسن، قانون شاهنشاهی، ترجمهٔ ترکی آن، پایان‌نامهٔ دکتری چاپ نشده، دانش‌کده ادبیات و فنی دانش‌گاه استانبول، گروه تاریخ، ۱۹۷۴، ص ۴.
۱۲. رک به: خواجه سعدالدین، همان اثر، ج ۴ و مستقیم‌زاده، تحفه الخطاطین، استانبول، ۱۹۲۸، ص ۱۱۰.
۱۳. رک به: خواجه سعدالدین، تاج‌التواریخ، تلخیص از پاراماقسزاوغلو، ج ۴، استانبول، ۱۹۷۹، ص ۲۴۶.
۱۴. رک به: احمد رفعت افندی، لغات تاریخیه و جغرافیه، ج ۱، ص ۱۱۰؛ شمس‌الدین سامی، قاموس الاعلام، ج ۲، ص ۸۱۱.
۱۵. حبیب، خط و الخطاطین، ص ۵۹.
۱۶. کاتب چلبی حاجی خلیفه، کشف الظنون، ج ۱، ص ۲۱۸.
۱۷. رک به: مستقیم‌زاده، تحفه الخطاطین، ص ۱۱۲؛ بایراقدار، محمد، همان.
۱۸. مهرداد سلطنتی، طغرا نویس.
۱۹. هامر پورگشتال، ج ۲، ص ۲۹۰.
۲۰. دانش‌نامهٔ جهان اسلام، ج ۲: ب زیر نظر: غلامعلی حداد عادل، تهران، بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، ۱۳۷۵ ش.
۲۱. انتشارات وزارت فرهنگ ترکیه، ۱۹۹۱، آنکارا
۲۲. هامر پورگشتال، ج ۲، ص ۵۱۸
۲۳. بایراقدار، همان.
۲۴. شکری، ص ۱۳۸.
۲۵. دانش‌نامهٔ جهان اسلام، همان.
۲۶. مستقیم‌زاده، ص ۱۱۰.
۲۷. حاجی خلیفه، ش ۵۹۳۰، ۶۲۱۸؛ بروکلیمان، ج ۲، ص ۳۰۲ و - ذیل، ج ۲، ص ۳۲۵.
۲۸. حاجی خلیفه، ش ۷۵۰۷ و - قره خان، ص ۱۱۱ - ۱۱۳.
۲۹. حاجی خلیفه، ش ۹۰۷۳.
۳۰. همان، ش ۱۰۸۳۹.
۳۱. بروکلیمان، ذیل، ج ۲، ص ۳۲۵.
۳۲. ریو، ج ۱، ص ۲۱۶.

۳۳. هامر - پورگشتال، ج ۲، ص ۵۱۸ و طاهربک، ج ۳، ص ۸ به نسخه‌ای به خط خود او اشاره کرده است.
۳۴. دانش‌نامه جهان اسلام، ج ۲: ب، همان.
۳۵. ادريس بدلیسی، نوشته محمد بایراقدار، انتشارات وزارت فرهنگ ترکیه، ۱۹۹۱، آنکارا.
۳۶. همان.
۳۷. کتاب جهان‌نما تحت نام تاریخ نشری، به اهتمام س. ف. ر. اونات و محمد آلتای کویمن با حروف جدید و قدیم منتشر شده است، جلد اول در ۱۹۴۹، جلد دوم در ۱۹۵۷، انتشارات بنیاد تاریخ ترک، سری سوم، شماره ۲a و ۲ط.
۳۸. ادريس بدلیسی، هشت‌بهشت، کتاب‌خانه دانشگاه استانبول، بخش نسخ خطی فارسی، شماره ۶۱۹، برگ ط ۲۰۷؛ ابوالفضل محمد افندی، سلیم‌شاه‌نامه، کتاب‌خانه لالا اسماعیل افندی، شماره ۱۱/۳۴۸، برگ ۴۰a.
۳۹. محمدطاهر بوروسوی، مؤلفان عثمانی، ج ۳، استانبول، ۱۹۷۵، ص ۶۹.
۴۰. بایراقدار، محمد، ادريس بدلیسی، انتشارات وزارت فرهنگ ترکیه، ۱۹۹۱، آنکارا.
۴۱. استوری، همان اثر، ج ۱، بخش ۱، ص ۴۱۵، یادداشت ۱
۴۲. استوری، همان اثر، ص ۴۱۶.
۴۳. کلمان هوار، مدخل «ادريس بدلیسی» در دایرة‌المعارف اسلام، چاپ قدیم، ۱۹۱۳، رج ۱، ص ۷۳۴.
۴۴. دایرة‌المعارف اسلام مدخل «ادريس بدلیسی» چاپ وزارت آموزش ملی، استانبول ۱۹۷۲، ج ۲، ص ۴۰.
۴۵. نظامی، مثنوی شرف‌نامه
۴۶. سنایی، حدیقه، فصل اندر تقدیس
۴۷. حافظ، غزل ۱۳۰ خطیب رهبر
۴۸. نظامی، مخزن‌الاسرار، مقالت چهارم در رعایت رعیت
۴۹. ابوالفضل محمد افندی، سلیم‌شاه‌نامه، نسخه خطی فارسی، کتابخانه لالا اسماعیل افندی، شماره ۱۱/۳۴۸، برگ ط ۳۸
۵۰. بهار، ملک‌الشعراء، سبک‌شناسی یا تاریخ تطور نثر فارسی، به کوشش دکتر سیدابوطالب میرعابدینی، تهران، توس، ۱۳۸۰، ص ۴۳۱.
۵۱. همان.
۵۲. شمیسا، سیروس، سبک‌شناسی نثر، چاپ دوم، نشر میترا، پاییز ۱۳۷۷، ص ۲۱۷.
۵۳. الرَّحْمَنُ/۱۴؛ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ.
۵۴. الاعراف/۱۲: قَالَ مَنَعَكَ أَلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَّارٍ وَ خَلَلْتَنِي مِن طِينٍ.

۵۵. صفا؛ ذبیح الله، تاریخ ادبیات در ایران؛ ج ۵، بخش ۳، ص ۱۴۴۹.
۵۶. الملک/۱: تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.
۵۷. آل عمران/۱۷۳: الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ.
۵۸. الانفال/۴۰: وَإِنْ تَوَلَّوْا فَاغْلَمُوا أَنْ اللَّهَ مَوْلَاكُمْ نِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ.
۵۹. الانعام/۶۲: ثُمَّ رُدُّوا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقُّ أَلَا لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ. نیز: القصص/۷۰: وَهُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْحَمْدُ فِي أُولَى وَالْآخِرَةِ وَلَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ. نیز: القصص/۸۸: وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ.
۶۰. آل عمران/۲۶: قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُدْلِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِإِذْنِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.
۶۱. آل عمران/۲۶: قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُدْلِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِإِذْنِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.
۶۲. البقره/۱۶۵: وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِن دُونِ اللَّهِ إِندَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يُرُونَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ.

کتاب‌نامه

- انوری، حسن، فرهنگ اعلام سخن، ج ۳، تهران، سخن، ۱۳۸۷ ش.
- بایراقدار، محمد، ادريس بدلیسی، انتشارات وزارت فرهنگ ترکیه، ۱۹۹۱ م، آنکارا.
- بدلیسی، ابوالفضل محمدافندی، سلیم شاه‌نامه، (نسخه خطی)، کتاب‌خانه لالاسماعیل افندی، استانبول، شماره ۴۸/۲.
- بورسوی، محمدطاهر، مؤلفان عثمانی، ج ۳-۱، استانبول، ۱۳۳۱ هـ. ق.
- بهار، ملک‌الشعرا، سبک‌شناسی یا تاریخ تطور نثر فارسی، به کوشش دکتر سیدابوطالب میرعابدینی، تهران، توس، ۱۳۸۰ ش.
- توکلی، حسن، قانونشاهنشاهی، ترجمه ترکی آن، پایان‌نامه دکتری چاپ نشده، دانش‌کده ادبیات و فنی دانش‌گاه استانبول، گروه تاریخ، ۱۹۷۴ م.
- خواجه سعدالدین، تاج‌التواریخ، تلخیص از پاراماقسزاوغلو، ج ۲ و ۴، استانبول، ۱۹۷۹ م.
- مستقیم‌زاده، تحفه‌الخطاطین، استانبول، ۱۹۲۸ م.
- دانش‌نامه جهان اسلام، (ج ۲: ب) زیر نظر: غلامعلی حداد عادل، تهران، بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، ۱۳۷۵ ش.
- رستگار فسایی، منصور، انواع نثر فارسی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانش‌گاه‌ها (سمت)، ۱۳۸۰ ش.
- رفعت افندی، احمد، لغات تاریخیه و جغرافیه، استانبول، ۱۲۹۹ هـ. ق.
- سامی، شمس‌الدینف قاموس الاعلام، ج ۶-۱، استانبول، ۱۳۰۶ هـ. ق.
- شاو، استانفوردجی، تاریخ امپراطوری عثمانی و ترکیه جدید، ترجمه محمود رمضان‌زاده، مشهد انتشارات آستان قدس رضوی، ج ۲، ۱۳۷۰.
- شکر، محمد، تأسیس حکومت عثمانی، آنکارا، ۱۹۳۴ م.
- شمیسا، سیروس، سبک‌شناسی نثر، چاپ دوم، نشر میترا، پاییز ۱۳۷۷ ش.
- صفا، ذبیح‌الله، مختصری در تاریخ تحول نظم و نثر فارسی، تهران، ققنوس، ۱۳۶۸.
- قراخان عبدالقادر، «نگاهی کلی به ترجمه چهل حدیث» در مجله ترک‌شناسی، ج ۱۰، استانبول، ۱۹۵۳ م.
- قراخان عبدالقادر، بررسی ادبیات ترک باستان، انتشارات دانش‌کده ادبیات و فنی دانش‌گاه استانبول، شماره ۲۶۵۹، استانبول، ۱۹۸۰ م.
- کاتب چلبی، حاجی خلیفه، کشف‌الظنون، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، بی‌تا.
- نفیسی، سعید، نظم و نثر در ایران و زبان فارسی، تهران، ۱۳۴۴ ش.
- هشت‌بهشت، نسخه خطی کتاب‌خانه سلیمانیه.
- هشت‌بهشت، نسخه خطی کتاب‌خانه فاتح.
- هشت‌بهشت، نسخه خطی کتاب‌خانه لندن.
- هشت‌بهشت، نسخه خطی کتاب‌خانه نورعثمانیه.